

علیرضا ساعتچیان

نوشتن با جوهر باروت

اخبار ارنست همینگوی
در روزنامه‌های روزگار او در آمریکا



علیرضا ساعتچیان

نوشتن با جوهر باروت

اخبار ارنست همینگوی
در روزنامه‌های روزگاراو در آمریکا



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: ساعتچیان، علیرضا ۱۳۴۲
 عنوان و نام پدیدآور: نوشتن با جوهر باروت (اخبار ارنست همینگوی در روزگار او در امریکا)
 گردآوری و ترجمه: علیرضا ساعتچیان
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۷۲۲-۵
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 موضوع: همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹-۱۹۶۱ م./نویسندگان آمریکایی- قرن ۲۰ م.
 -- پوشش مطبوعاتی
 رده‌بندی کنگره: PS۳۵۴۳
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۰۱۵۲



■ نوشتن با جوهر باروت

گردآوری و ترجمه: علیرضا ساعتچیان

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: دالاهو

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۰، ۷۷۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

   @ketabeparseh

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف‌آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴



اخبار این کتاب برگرفته از آرشیو روزنامه‌های بیش از ده ایالت امریکا، از روزنامه نیویورک تایمز تا روزنامه محلی جزیره کی وست، در دوران زندگی ارنست همینگوی است.

سبک نویسندگی خاص و اقتباس‌های سینمایی از آثار همینگوی، سفرهایش به قاره آفریقا، سکونت در کوبا، ماجراهای ماهیگیری و شکار حیوانات بزرگ و کوچک، محاوره و مجادله ادبی، حضور در دو جنگ جهانی و جنگ داخلی اسپانیا، از جمله نکاتی است که همینگوی را به فردی خبرساز در روزنامه‌های امریکا تبدیل کرده بود. ناشر او، پسران چارلز اسکریبنر، گفته بود که توجه غیر معمول به وقایع زندگی همینگوی، روی فروش آثار این نویسنده تأثیر بسزایی گذاشت.

این توجه در مواقعی، زمینه مبالغه و تحریف را فراهم می‌کرد و در پی آن، آزدگی همینگوی را همراه داشت؛ همچنین تلفیق زندگی او با وقایع رمان‌هایش، راه را برای دراماتیزه کردن رخداد‌های زندگی این نویسنده هموار می‌کرد.

پس از درگذشت پرماجرای همینگوی، بسیاری از جهانگردان در اسپانیا

و کوبا، قدم به کافه‌ها و رستوران‌هایی می‌گذارند که پوسترهای نصب‌شده در آنجا گواه‌رفت‌وآمد همینگوی به آن مکان‌ها را می‌دهند و برای آنکه هر کُنْجی را پاتوق او ندانند، امروزه در شهرهای مادرید، پامپلونا و هاوانا، بر سَرِدرِ برخی کافه‌ها و رستوران‌ها نوشته شده است: "Hemingway nunca estuvo aquí"، همینگوی هرگز اینجا نبود.

[۲۲ ژانویه ۱۹۱۹ / The Sun]

بازگشت از جنگ با ۲۲۷ جراحات

دیروز نخستین مجروح آمریکایی از رزمگاه ایتالیا با کشتی بخار جوزپه وردی^۱ از راه رسید. او ارنست ام. همینگوی^۲ نام دارد که پیش از جنگ، گزارشگر روزنامه کانزاس سیتی استار^۳ بود و در اثر ترکش خمپاره اتریشی ها، ۲۲۷ جراحات در نواحی مختلف بدنش برجای مانده است که هیچ کدام حاد نیستند. با وجود اینکه او در رزمگاه زخمی شده بود چند سرباز مجروح ایتالیایی را به در مانگاه پشت میدان جنگ منتقل کرد.

1. Giuseppe Verdi

2. Ernest Miller Hemingway (1899-1961)

۳. The Kansas City Star؛ روزنامه کانزاس سیتی استار در سال ۱۸۸۰ توسط ویلیام راکهیل نلسون William Rockhill Nelson (۱۸۴۱-۱۹۱۵) و شریک او ساموئل ای. مورس در شهر کانزاس بنیان نهاده شد و نخستین شماره آن ۱۸ سپتامبر ۱۸۸۰ با نام The Kansas City Evening Star در چهار صفحه شش ستونی به قیمت ۲ سنت منتشر شد و تا به امروز با تغییر و تحولاتی در حال انتشار است.

همینگوی در فرانسه به صلیب سرخ^۱ پیوست و در ژوئیه گذشته به میدان جنگ ایتالیا منتقل شد. او که راننده آمبولانس صلیب سرخ امریکا در ایتالیا به شمار می‌رفت، سه ماه در بیمارستان صلیب سرخ شهر میلان بستری شد تا خُرده‌های ترکش را از بدنش بیورند. همینگوی نوزده سال سن دارد و فرزند دکتر سی. ای. همینگوی^۲ از اهالی دهکده پارک بلوط^۳ ایالت ایلینوی است.

[Salt Lake Telegram / ۶ دسامبر ۱۹۲۸]

خودکشی پدر نویسنده

شیکاگو، ۶ دسامبر (آسوشیتدپرس) - امروز دکتر سی. ای. همینگوی، پزشک سرشناس دهکده پارک بلوط و پدر ارنست همینگوی نویسنده، در اتاق خوابش با شلیک گلوله به زندگی خود خاتمه داد. او سال‌ها از بیماری رنج می‌برد.

[The New York Times / ۲۱ ژوئن ۱۹۲۹]

جلوگیری از فروش مجله اسکرینرز از سوی پلیس شهر بوستون
بوستون، ماساچوست؛ ۲۰ ژوئن - روز گذشته به علت اعتراض به بخشی از داستان دنباله‌دار وداع با اسلحه^۴ اثر ارنست همینگوی، از قرار دادن شماره

۱. سازمان جهانی صلیب سرخ (The International Committee of the Red Cross)، نهاد بشردوستانه مستقلی است که در سال ۱۸۶۳ در سوئیس با هدف کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان درگیری‌های مسلحانه تأسیس شد و فعالیت‌های انسان‌دوستانه آن تا امروزه در زمینه‌های گوناگونی گسترش پیدا کرده است.

۲. Clarence Edmonds Hemingway؛ (۱۸۷۱-۱۹۴۸) دکتر کلارنس ادمنز همینگوی

۳. دهکده پارک بلوط یا اوک پارک (Oak Park) در غرب شیکاگو

۴. A Farewell to Arms؛ رمان وداع با اسلحه اثر همینگوی، نخستین بار در مجله اسکرینرز به صورت دنباله‌دار در شش شماره از ماه مه تا اکتبر ۱۹۲۹ و در ۲۷ سپتامبر همان سال در قالب کتاب منتشر شد. این رمان در ایران ←

ژونن مجلهٔ اسکریبنرز^۱ در دهه‌های کتابفروشی این شهر، توسط بازرس پلیس، مایکل ایچ. کراولی^۲، ممانعت به‌عمل آمد. گفته شده است بعضی از مردم، بخشی از این قسمت داستان را که در این شماره منتشر شده است وقیحانه می‌دانند.

به‌هر حال این اقدام ادارهٔ پلیس، شبیه به قفل کردن در اصطبل پس از ربه‌شدن اسب بود چراکه شمارهٔ ژونن اسکریبنرز از ۲۵ مه فروخته شده است. آقای کراولی در مورد منشاء این شکایت اظهارنظری نکرده است. داستان وداع با اسلحه در بارهٔ سرگذشت رانندهٔ آمریکایی آمبولانس در ارتش ایتالیا است. متن زیر بخشی از بیانیهٔ دیروز انتشارات پسران چارلز اسکریبنرز^۳ است: صرف این واقعیت که مجلهٔ اسکریبنرز، وداع با اسلحه نوشتهٔ ارنست همینگوی را منتشر می‌کند، نشانهٔ باور ما به اعتبار و درستی این اثر است. آقای همینگوی یکی از عالی‌ترین و ارزشمندترین نویسندگان معاصر به‌شمار می‌رود.

جلوگیری از فروش این مجله در بوستون، نشانهٔ استفادهٔ نابجای سانسور است که بر پایهٔ اعتراضاتی است که توجهی به مفهوم و هدف کل داستان ندارند. وداع با اسلحه به‌وضوح دارای مضمون اخلاقی است. داستان عشقی ناب و وفادار که فراسوی تمایل جنسی شکل گرفته است. اگر نیکی می‌تواند از بدی سرچشمه گیرد، اگر زیبایی قادر است از زشتی

→ با نام وداع با اسلحه توسط ناشران متعدد به چاپ رسیده است.

۱. Scribner's Magazine؛ مجلهٔ اسکریبنرز را انتشارات پسران چارلز اسکریبنرز به‌صورت ماهنامه از سال ۱۸۸۷ تا ۱۹۳۹ در آمریکا منتشر کردند.

2. Michael H. Crowley

۳. Charles Scribner's Sons؛ انتشارات پسران چارلز اسکریبنرز یا چارلز اسکریبنرز ساز را چارلز اسکریبنرز Charles Scribner (۱۸۷۱ - ۱۸۲۱) در سال ۱۸۴۶ در نیویورک تأسیس کرد.

رویانده شود، نویسنده چگونه روند این تحول را به شکلی مؤثر توصیف کند وقتی که قادر به شرح آن اوضاع و احوالی نباشد که نیکی از آن شکل گرفته است؟

انتشار این داستان در مجله اسکرینرز ادامه خواهد داشت و تنها یک سوم آن تاکنون منتشر شده است.

[Salt Lake Telegram / ۱۹۳۰ نوامبر ۳۰]

سفر دریایی سینکلر لوئیس به سوئد برای دریافت جایزه نوبل ادبیات نیویورک، ۲۹ نوامبر (آسوشیتدپرس)^۱ - امروز سینکلر لوئیس^۲ با کشتی مسافری درووتینگهلم^۳ رهسپار استکهلم شد تا جایزه نوبل ادبیات را در تاریخ دهم دسامبر دریافت کند.

او هنگام رفتن پیش بینی کرد که ارنست همینگوی، نویسنده مردان بدون زنان^۴ و وداع با اسلحه، جایزه نوبل را طی ده سال آینده دریافت خواهد کرد و گفت اگر این جایزه به یوجین اونیل^۵ اهدا می شد همین قدر خوشحال می شدم. همچنین از ویلا کتر^۶ به عنوان نویسنده ای یاد کرد که به عقیده او

۱. Associated Press (AP)؛ خبرگزاری آسوشیتدپرس در سال ۱۸۴۶ با همکاری

پنج روزنامه در شهر نیویورک بنیان نهاده شد و تا سال ۲۰۲۰ موفق به دریافت ۵۴ جایزه پولیتزر شده است.

۲. Sinclair Lewis؛ (۱۸۸۵-۱۹۵۱)، نخستین نویسنده آمریکایی برنده جایزه ادبی نوبل

3. Drottningholm

۴. Men Without Women؛ مجموعه داستان های کوتاه همینگوی، منتشر شده در سال

۱۹۲۷. این اثر در ایران با عناوین مردان بی زن و مردان بدون زنان منتشر شده است.

۵. Eugene O'Neill؛ (۱۸۸۸-۱۹۵۳)، نمایشنامه نویس آمریکایی، برنده جایزه ادبی

نوبل در ۱۹۳۶

۶. Willa Cather؛ (۱۸۷۳-۱۹۴۷)، بانوی رمان نویس آمریکایی، برنده جایزه پولیتزر

در ۱۹۲۲ برای رمان یکی از ما

باید روزی این جایزه به او تقدیم شود.

نویسندهٔ رمان‌های خیابان اصلی^۱، بیت^۲ و ارواسمیت^۳ گفت که این روزها روی رمان جدیدی کار می‌کند اما اشاره‌ای به موضوع و روند نگارش آن نکرد. شب گذشته خبری از فیلا دلفیا برای ما ارسال شد که طبق آن دکتر هنری ون دایک^۴ از دانشگاه پرینستون اظهار داشته است اعطای جایزهٔ نوبل به لوتیس، توهین به امریکا است.

1. *Main Street* (1920)

2. *Babbitt* (1922)

3. *Arrowsmith* (1925)

۴. Henry van Dyke؛ (۱۸۵۲-۱۹۳۳) هنری ون دایک، نویسنده و شاعر امریکایی

هلندی‌تبار. او کشیش پرسبترایی، عضو فرهنگستان هنر و ادب امریکا و استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه پرینستون بود و از ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۷ از سوی دولت، فرستادهٔ ویژهٔ تام‌الاختیار در کشور هلند و لوکزامبورگ به‌شمار می‌رفت.

ون دایک پیرامون اهدای جایزهٔ نوبل ادبیات به سینکلر لوتیس گفت: «سزاوار نبود جایزهٔ نوبل به کسی اعطا شود که همواره در داستان‌هایش رسوم و نهادهای امریکا را به ریشخند می‌گیرد؛ این اقدام هیئت بررسی نوبل و فرهنگستان سوند، اهانت به امریکا به‌شمار می‌رود. سینکلر لوتیس نیز در بخشی از سخنرانی پذیرش جایزه نوبلش با عنوان واهمهٔ امریکایی از ادبیات، گفت: «در امریکا پیرمردی دانا و بسیار خوش‌رو هست که کشیش، استاد دانشگاه و دیپلمات است. او عضو فرهنگستان هنر و ادب امریکا به‌شمار می‌رود و به‌عنوان نویسنده، بیشتر برای مقاله‌های کوچک دوست‌داشتنی‌اش دربارهٔ لذت ماهیگیری معروف است. تصور نمی‌کنم ماهیگیران حرفه‌ای که زندگی‌شان متکی به صید ماهی روغن یا شاه‌ماهی است، در مجموع این مقاله‌ها برایشان سرگرم‌کننده باشد، اما به‌عنوان پسر بچه‌ای از این مقاله‌ها آموختم که اگر نیازی هم به انجام این کار نباشد، نکته‌ای بسیار مهم و معنوی در مورد ماهیگیری وجود دارد. این محقق در انتظار عمومی اظهار داشته است که هیئت بررسی نوبل و فرهنگستان سوند با اعطای جایزهٔ نوبل به شخصی که رسوم و نهادهای امریکا را به تمسخر می‌گیرد، به امریکا اهانت کرده است. نمی‌دانم آیا او که دیپلمات سابق است، قصد دارد واقعه‌ای جهانی راه بیندازد و شاید از دولت امریکا درخواست کند ناوهای جنگی‌اش را برای دفاع از حقوق ادبی امریکا روانهٔ استکهلم کنند.»

[Salt Lake Telegram / ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۱]

نیویورک، ۳۰ سپتامبر (آسوشیتدپرس) - ارنست همینگویِ رمان‌نویس که از اسپانیا بازگشته است، در مورد فرد مرموزی که خود را در این کشور به جای او جا زده، بسیار کنجکاو است. او درک نمی‌کند چرا کسی از اینکه خود را به جای نویسنده‌ای جا بزند که درآمدش بی‌ثبات‌ترین چیز در دنیا است، امید منفعت دارد.

[The Republican-Journal / ۲۰ اکتبر ۱۹۳۱]

نامطمئن‌ترین چیز در دنیا

ارنست همینگوی، نویسندهٔ خورشید نیز طلوع می‌کند^۱، وداع با اسلحه و چند داستان کوتاه، که از نویسندگان کلاسیک نوین به‌شمار می‌رود، اخیراً از اسپانیا به نیویورک آمده و خبر داده است که شخصی خود را در آن کشور به جای او جا زده است.

آقای همینگوی از این موضوع که مطلع شد چندان توجه خاصی به آن نکرد و گفت نمی‌تواند بفهمد شخصی که وانمود می‌کند نویسنده‌ای است که درآمدش «بی‌ثبات‌ترین چیز در دنیا» به‌شمار می‌رود، چه نفعی می‌برد. این سخن را نویسنده‌ای می‌گوید که شهرتی تثبیت‌شده دارد؛ بنگاه‌های انتشاراتی و نشریه‌ها مشتاقانه طالب آثارش هستند و از این گذشته، او پایه‌گذار شیوهٔ نگارش نو در ادبیات داستانی است که بسیاری از نویسندگان و مشتاقان حرفهٔ نویسندگی، از شیوهٔ او تقلید می‌کنند. همچنین پذیرش اینکه درآمد همینگوی «بی‌ثبات‌ترین چیز در دنیا» است، شاید بسیاری از

۱. *The Sun Also Rises*؛ این رمان تاکنون در ایران از سوی ناشران متعدد با عناوین

مختلف از جمله خورشید همچنان می‌دمد، خورشید نیز طلوع می‌کند، آفتاب

طلوع می‌کند و زیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست به چاپ رسیده است.

جوانان کشور را که قاطعانه یا نه چندان جدی قصد دارند نویسنده شوند، مردد و دودل کند.

[۳ اوت ۱۹۳۲ / The Republican-Journal]

خبرهایی از هالیوود

هالیوود - فرانک بورزیگی^۱، کارگردان سینما، این اطمینان را به ما داده است که هالیوود با اقتباس رمان پر فروش وداع با اسلحه اثر ارنست همینگوی، خوانندگان این کتاب را دلسرد نخواهد کرد.

نخستین موفقیت کارگردانی بورزیگی ساخت فیلم‌هایی با مضامین انسانی بود، مثل ماجراهای عاشقانه پسر و دختری که پس از گذر از فراز و نشیب‌های پی‌درپی، مسیرشان اغلب به خوشی منتهی می‌شود. او می‌گوید: «وداع با اسلحه را داستان عاشقانه شاهکار می‌دانم و با همین مضمون به اقتباسی سینمایی تبدیل خواهد شد.»

این رمان در پس‌زمینه به دوران جنگ جهانی در ایتالیا بازمی‌گردد. زمان و مکان رمان در فیلم حفظ خواهد شد اما تمرکز اصلی دوربین روی ماجرای عاشقانه پرستاری به نام کاترین و سربازی به نام فردریک خواهد بود که نقش آنان را هلن هیز^۲ و گری کوپر^۳ ایفا می‌کنند.

بدیهی است که پایان داستان وداع با اسلحه مشکلی برای دست‌اندرکاران اثر سینمایی به حساب می‌آید؛ رمان با مرگ کاترین به پایان می‌رسد و نویسندگان فیلمنامه، بورزیگی و گلیزر^۴، خواهان حفظ صحنه آخرند. با این حال در استودیوی فیلمسازی، نگرانی‌هایی وجود دارد و آن عامه‌پسندی

1. Frank Borzage (1894- 1962)

2. Helen Hayes (1900 - 1993)

3. Gary Cooper (1901 - 1961)

۴. Benjamin Glazer: (۱۹۵۶ - ۱۸۸۷) تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس

انتهای فیلم است یعنی همان پایان خوشی که دوستداران سینما خواهانش هستند.

احتمالاً تصمیم نهایی دست اندرکاران فیلم به دو پایان بندی منجر شود؛ یکی طبق متن کتاب برای سینماهای شهرهای بزرگ چراکه به دلایلی مرگ قهرمان داستان چندان آن‌ها را ماتم زده نخواهد کرد، و یکی با پایان خوش برای سینماهای شهرهای کوچک‌تر.

[۵ دسامبر ۱۹۳۲ / Buffalo Courier-Express]

نخستین شب نمایش در میان تپه و ماهور نیویورک، چهارم دسامبر (آسوشیتدپرس) - این روزها ارنست همینگوی در تپه‌های ایالت آرکنسا اوقات خوب شکار را می‌گذرانند. به همین دلیل، سینمای شهر پیگات آرکنسا و نه برادوی^۱، نخستین شب اکران «وداع با اسلحه» را پشت سر خواهد گذاشت؛ اثری که از روی نسخه داستانی به اقتباس سینمایی درآمده است.

قرار بود هفتم دسامبر نسخه نمایشی این فیلم در برادوی افتتاح شود و این نویسنده نیز برای تماشای نمایش به سالن دعوت شده بود اما ترجیح داد به گردش برای شکار ادامه دهد.

برای اینکه تماشای نخستین نمایش این فیلم برای همینگوی فراهم شود، افتتاحیه نمایش وداع با اسلحه یک روز در برادوی به تعویق افتاد و نسخه‌ای از فیلم با عجله به دهکده‌ای در آرکنسا فرستاده شد.

همینگوی و همسرش همه اهالی را دعوت کرده‌اند. ستاره‌های سینما، نورافکن‌ها و بلندگوها، هیچ‌کدام وجود نخواهد داشت، اما با این همه،

۱. Broadway؛ منطقه‌ای از سالن‌های تئاتر در خیابان برادوی واقع در بخش مَنهتن

نخستین شب نمایش جهانی خواهد بود.

[Coronado Journal / ۱۰ ژانویه ۱۹۳۳]

وداع با اسلحه

فیلم «وداع با اسلحه» با داستانی عمیق و تأثیرگذار تهیه شده در شرکت فیلمسازی پارامونت^۱، از روز پنجشنبه دوازدهم ژانویه در سینما فاکس^۲ به نمایش در خواهد آمد.

شخصیت پردازی عالی با هنرنمایی هلن هیز، برنده مشهور جایزه آکادمی ملی^۳ در ۱۹۳۲ برای بهترین بازیگری، از نکات قابل توجه این فیلم دیدنی است. فرانک بورزیگی، کارگردان این فیلم نیز برنده جایزه کارگردانی آکادمی ملی در ۱۹۳۲ است.

بازیگران، هلن هیز، گری کوپر و آدولف مانزو^۴ هستند. صدها بازیگر دیگر در این فیلم حضور دارند اما بار داستان بر دوش این سه نفر است. داستان فیلم به رمان معروف ارنست همینگوی وفادار است.

[The San Bernardino Daily Sun / ۱۸ ژانویه ۱۹۳۳]

در خلوتگاه کتاب

برخی نویسندگان از شکل و شمایل بعضی تبلیغ ها خوششان نمی آید. ارنست همینگوی، نویسنده وداع با اسلحه و مرگ در بعدازظهر^۵، از به راه انداختن تبلیغاتی که او را قهرمان معرفی می کنند، زبان به اعتراض گشوده است. او از آدم های سینما خواسته است «کاری به زندگی شخصی اش نداشته

1. Paramount

2. Fox Theatre

3. National Academy Award

4. Adolphe Menjou (1963 - 1890)

5. *Death in the Afternoon*؛ این اثر در ایران با نام مرگ در بعدازظهر منتشر شده است.

باشند» و از ناشران خود خواهش کرده آن «موضوعات حرفه‌ای، جنگی و رومانتیک ساختگی» را که در تبلیغات فیلم اخیر به او نسبت می‌دهند تکذیب کنند. او اضافه می‌کند که اگر او «در جنگ اخیر در ایتالیا سهمی داشت فقط به این دلیل است که احتمال کشته شدنش در آنجا بسیار کمتر از فرانسه بود.» او می‌گوید در آنجا راننده آمبولانس بود و برای خدمت به سربازان اقداماتی کرده بود و هرگز درگیر هیچ نوع فعالیت قهرمانانه‌ای نبوده است. آقای همینگوی از این اقدامات تبلیغاتی که «از او مانند فلویید گینز^۱ یا تونی^۲ اسپ تام میکس^۳، چهره‌ای دلفریب ساخته‌اند، انتقاد کرده است.

[۱ فوریه ۱۹۳۳ / The True Republican]

وداع با اسلحه

فیلم «وداع با اسلحه»، که اقتباسی سینمایی از رمان ارنست همینگوی نویسنده برجسته معاصر آمریکایی است، در روز پنجشنبه و جمعه در سینما سیکامور^۴ به نمایش درمی‌آید. فرانک بورزیگی - کارگردان فیلم آسمان هفتم^۵ که این اثر از لحاظ محبوبیت از بزرگ‌ترین موفقیت‌های فیلمسازی این کارگردان شناخته می‌شود - کارگردانی وداع با اسلحه را برعهده داشته است. هلن هیز و گری کوپر بازیگران نقش اول و آدولف مانزو بازیگر نقش دوم آن هستند.

۱. Floyd Gibbons؛ (۱۸۸۷-۱۹۳۹)، فلویید گینز گزارشگر رادیو و خبرنگار جنگی آمریکایی روزنامه شیکاگو تریبون که در جنگ جهانی اول سه بار زخمی شد و یک چشم خود را از دست داد.

2. Tony

۳. Tom Mix؛ (۱۸۸۰-۱۹۴۰) تام میکس بازیگر آمریکایی فیلم‌های وسترن در اوایل قرن بیستم و از آنجایی که در اغلب فیلم‌هایش اسبش هم حضور داشت، سال‌ها آوازه اسپ او، تونی، با میکس تا حدودی برابری می‌کرد.

4. Sycamore Theatre

5. Seventh Heaven (1927)

بورزیگی نخستین فیلم موفقیت آمیز خود را با نام «هیمورسک»^۱ در ۲۱ سالگی ساخت. او در ۱۹ سالگی به هالیوود آمد و به عنوان بازیگر نقش های فرعی با روزی پنج دلار مشغول به کار شد. تامس اینس^۲ فقید او را به هنرپیشه نقش اول بدل کرد و سپس بورزیگی در بیست سالگی با راه اندازی شرکت سینمایی خود، بازیگری نقش اول مجموعه فیلم های وسترن را بر عهده گرفت. او یک سال بعد به حرفه کارگردانی روی آورد و با ساختن هیمورسک برنده جایزه فتوپلی^۳ سال ۱۹۲۰ شد.

فیلم آسمان هفتم او برنده جایزه فتوپلی و جایزه آکادمی علوم و هنرهای سینما^۴ شد.

او در نسخه سینمایی «وداع با اسلحه»، طرح اصلی داستان همینگوی به دقت دنبال کرده است. داستان فیلم، طبق کتاب است و نقطه اوج پراحساس آن در بیمارستان سونیس می گذرد که تولد نوزادی است که ثمره عشقی بزرگ است.

[۲۱ فوریه ۱۹۳۳ / Madera Tribune]

هلن هیز در سینما ملی

فیلم «وداع با اسلحه» با بازیگری هلن هیز، گری کوپر و آدولف مانزو، روز پنجشنبه در سینما ملی^۵ به نمایش در می آید. این فیلم بازآفرینی صادقانه ای

1. *Humoresque* (1920)

۲. Thomas Ince؛ (۱۸۸۲-۱۹۲۴) تهیه کننده و کارگردان سینما

۳. مجله فتوپلی (Photoplay) که از نخستین مجله های سینمایی امریکا به شمار می رود، نخستین بار در ماه اوت ۱۹۱۱ در شیکاگو منتشر شد. جایزه فتوپلی (Photoplay Award) را این مجله به بهترین فیلم سال اهدا می کرد که نخستین جایزه آن را در سال ۱۹۲۰ به فیلم هیمورسک اهدا کردند.

4. Academy of Motion Picture Arts and Sciences Award

5. National Theatre

از زمان همینگوی است که روایت ماجرای فردریک هنری^۱، ستوان امریکایی در گروه آمبولانس ایتالیا، و کاترین بارکلی^۲، پرستار بریتانیایی است. این دو در حاشیه جنگ با هم آشنا و دلباخته همدیگر می‌شوند. دیدار آنها به واسطه جراح ارتش، رینالدی^۳ است که خود را «برادر جنگی» ستوان هنری می‌نامد.

[۱۲ آوریل ۱۹۳۳ / The Key West Citizen]

راهی شدنِ همینگوی به کوبا برای ماهیگیری امروز بعد از ظهر، ارنست همینگوی، چارلز تامپسن^۴ و ناخدا جوزف راسل^۵ با قایق موتوری بزرگ ناخدا راسل به نام «آنیتا»، به مقصد هاوانا حرکت کردند.

آقای همینگوی که چند ماه پیش در نزدیک آب‌های کوبا نیزه ماهی^۶ صید می‌کرد، به تازگی مصمم شده است ماهی بزرگ‌تری نسبت به ماهی‌ای که در نخستین سفرش گرفته بود، صید کند.

به همین منظور هم ترتیب این سفر را داده است و با مهمان خود، آقای تامپسن، رهسپار آب‌هایی شدند که گفته می‌شود در آنجا نیزه ماهی‌ها در دسته‌های بزرگ پخش هستند. آقای همینگوی می‌گوید او تا وقتی که رکورد ماهیگیری را نزنند راضی نمی‌شود.

1. Frederic Henry

2. Catherine Barkley

3. Rinaldi

۴. Charles Thompson؛ چارلز تامپسن از دوستان صمیمی همینگوی و از همراهان او در سفر شکاری آفریقا در ۱۹۳۳ بود که بعدها در کتاب تپه‌های سبز آفریقا اثر همینگوی شخصیت «کارل» را ایفا کرد.

5. Joseph Stanford Russell (1889 – 1941)

۶. Marlin (نیزه ماهی)

[The Key West Citizen / ژوئیه ۱۹۳۳ / ۲۰]

همینگوی از سفر کوبا بازگشت

ارنست همینگوی، نویسنده مشهور، دیروز بعد از ظهر از آب‌های کوبا بازگشت؛ جایی که به عنوان ماهیگیر نیزه ماهی، تمام رکوردها را شکسته است. او که سابقاً در این رده بندی نفر چهارم بود، حالا هفت نیزه ماهی در یک روز صید کرده است.

نه تنها این رکورد را برای چندمین بار شکسته است بلکه پس از یک ساعت و پنج دقیقه تلاش، ماهی غول‌آسایی به وزن ۲۱۲ کیلوگرم و به طول حدوداً سه متر و نود سانتیمتر به چنگ آورد. این ماهی حدود ۱۵ سانتیمتر بزرگ‌تر از ماهی‌ای است که در گت کی^۱ گرفته بودند و تا ماه‌ها نامش را شاه قبیله می خواندند.

آقای همینگوی دوازدهم آوریل، با قایق آنتای ناخدا جوزف راسل راهی این سفر شد و طی سه ماه و یک هفته ماهیگیری با قلاب، ۵۴ نیزه ماهی و صدها ماهی که برخی از آنها نمونه‌های بسیار عالی بودند، به دست آورد.

[Salt Lake Telegram / سپتامبر ۱۹۳۳ / ۲۵]

ناشر نامدار درگذشت

نیویورک، ۲۵ سپتامبر (یونایتد پرس)^۲ - فردا مراسم خاکسپاری هوراس لیورایت^۳، ناشر برجسته و تهیه کننده تئاتر، که روز یکشنبه پس از چند هفته بیماری درگذشت، برگزار می شود.

۱. Cat Cay (جزیره ای در باهاما)

۲. خبرگزاری یونایتد پرس (United Press (UP در سال ۱۹۰۷ توسط ادوارد ویلیس

اسکریپس E. W. Scripps (۱۸۵۴-۱۹۲۶) در امریکا بنیان نهاده شد.

3. Horace Liveright (1886-1933)

اوزمستان گذشته به ذات‌الریه مبتلا شد و ماه قبل بیماری‌اش بازگشت. لیورایت در ۱۶ سالگی مصمم بود ناشر شود. در ۱۹۱۱ با شور و شوق وارد حرفه تولید و فروش محصولات کاغذی شد. شش سال بعد، فرصت ناشر شدن هنگامی برایش پیش آمد که آلبرت بونی^۱ پیشنهاد راه‌اندازی انتشارات «کتابخانه نوین»^۲ را مطرح کرد. هوراس چند سال پس از شکل‌گیری «بونی و لیورایت»^۳، از شراکت چشم‌پوشید و صاحب انتشارات «لیورایت» شد.

لیورایت به نویسندگانِ ناشناس و پرتکاپو علاقه‌مند بود و بن هکت^۴، یوجین اونیل، ارنست همینگوی، تئودور درایزر^۵ و نویسندگان بسیار دیگری را به جامعه کتابخوان معرفی کرد.

لیورایت دشمن دوآتشه سانسور کتاب بود.

او در سال ۱۹۳۰، ارتباط خود را با شرکت انتشاراتی قطع کرد. وی پنج سال قبل به صحنه تئاتر رفته بود و پیش از مرگ، چند نمایش روی صحنه آورد، مانند نمایش‌های دراکولا، تراژدی امریکایی و آتش‌افروز. لیورایت دوبار ازدواج و متارکه کرده بود. او دو فرزند با نام‌های لوسی و هرمان دارد که این دو از ازدواج نخست اوست.

[۴ آوریل ۱۹۳۴ / The New York Times]

همینگوی، تشنه شکار شیر

دیروز ارنست همینگوی نویسنده به میهن بازگشت و به خبرنگاران گفت که در حال حاضر برای شکار حیوانات بزرگ از میدان‌های گاو‌بازی اسپانیا

1. Albert Boni (1892 – 1981)

2. The Modern Library

3. Boni & Liveright

۴. Ben Hecht؛ (۱۸۹۴–۱۹۶۴)، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی

۵. Theodore Dreiser؛ (۱۸۷۱–۱۹۴۵) نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی

دست کشیده است. آقای همینگوی پس از سه ماه سفر شکاری در مستعمره کنیا در شرق آفریقا، به همراه همسر خود با کشتی مسافری فرانسوی به نام پاریس به کشور بازگشته است.^۱

او با شور و شوق در مورد این سفر و رویارویی اش با چندین شیر آفریقایی اظهار داشت: «این حیوانات قادرند حدود ۹۱ متر را ظرف سه ثانیه طی کنند و پیش از آنکه بتوان کاری کرد به شما چیره می شوند.» او گفت: «شیر حیوان خوبی است و هراسان و کم هوش نیست، تمایلی به حمله کردن ندارد مگر اینکه گاهی انسان او را وادار به این کار کند. بوفالوهای شرق آفریقا نسبتاً محتاط ترند و شکارچی مجال بیشتری برای شکار آنها نسبت به شیرها دارد.»

همینگوی از اوت گذشته تاکنون در خارج از کشور به سر برده و اظهار امیدواری کرده است که زمستان آینده به آفریقا بازگردد و پس از آن براساس شکار شیر و بوفالو رمانی بنویسد.

او گفت: «گاو بازی حالت رسمی پیدا کرده است، اکنون به آفریقا علاقه مند شده ام و به این خاطر اینجا هستم که برای بازگشت به شرق آفریقا پول کافی فراهم کنم.»

او قصد مراجعت به خانه خود در کی وست^۲ ایالت فلوریدا را دارد تا یک فصل فشرده به نوشتن پردازد.

۱. همینگوی در ۱۹۳۳ همراه با همسر دوم خود، پالین فایفر، عازم کنیا و تانزانیا شد. در این سفر شکاری که هزینه آن توسط عمومی ثروتمند همسرش، آگوستوس فایفر (Augustus Pfeiffer) پرداخت شده بود، فیلیپ هوپ پرسوال (Philip Hope Percival) (۱۸۸۶-۱۹۶۶) راهنمای شکار همینگوی بود که بعدها در کتاب تپه های سبز آفریقا اثر همینگوی، در شخصیت پاپ (Pop) ظاهر شد.

۲. کی وست (Key West) جزیره ای در جنوبی ترین نقطه ایالت فلوریدا که در فاصله ۱۴۴ کیلومتری کشور کوبا واقع است.

[۹ فوریه ۱۹۳۵ / The San Bernardino Daily Sun]

ارنست همینگوی می‌گوید ترجیح می‌دهد دوباره از نو این کتاب‌ها را بخواند تا اینکه درآمد یک میلیون دلاری در سال داشته باشد. آنا کارنینا^۱، مدت‌ها پیش و خیلی دور^۲، بودنبروک‌ها^۳، بلندی‌های بادگیر^۴، مادام بوواری^۵، جنگ و صلح^۶، یادداشت‌های یک شکارچی^۷، برادران کارامازوف^۸، درود و بدرود^۹، هاکلبری فین^{۱۰}، واینزبرگ اوهایو^{۱۱}، ملکه مارگو^{۱۲}، خانه تلیه^{۱۳}، سرخ و سیاه^{۱۴}، صومعه پارم^{۱۵}، دوبلینی‌ها^{۱۶}، خودزندگی نامه پیتس^{۱۷}، و چندتایی دیگر^{۱۸}.

۱. Anna Karenina: (۱۸۷۸) نوشته لئو تولستوی

۲. Far Away and Long Ago: (۱۹۱۸) اثری از ویلیام هنری هادسین

۳. Buddenbrooks: (۱۹۰۱) اثری از توماس مان

۴. Wuthering Heights: (۱۸۴۷) اثری از امیلی برونته

۵. Madame Bovary: (۱۸۵۷) اثری از گوستاو فلوبر

۶. War and Peace: (۱۸۶۹) اثری از لئو تولستوی

۷. A Sportsman's Sketches: (۱۸۵۲) نوشته ایوان تورگنیف

۸. The Brothers Karamazov: (۱۸۸۰) نوشته فنودور داستایوسکی

۹. Hail and Farewell: (۱۹۲۵) نوشته جورج مور

۱۰. Huckleberry Finn: (۱۸۸۴) نوشته مارک تواین

۱۱. Winesburg, Ohio: (۱۹۱۹) نوشته شرود اندرسن

۱۲. La Reine Margot: (۱۸۴۵) نوشته الکساندر دوما

۱۳. La Maison Tellier: (۱۸۸۱) نوشته گی دو موپاسان

۱۴. Le Rouge et le Noir: (۱۸۳۰) نوشته استاندال

۱۵. La Chartreuse de Parme: (۱۸۳۹) نوشته استاندال

۱۶. Dubliners: (۱۹۱۴) نوشته جیمز جویس

۱۷. Yeats' Autobiography: (۱۹۲۶) نوشته ویلیام باتلر ییتس

۱۸. این خبر درواقع برگرفته از مقاله همینگوی با عنوان یادی از شکار پرنده است که در صفحه ۲۱ مجله اسکوائر (Esquire) به تاریخ فوریه ۱۹۳۵ به چاپ رسید.

[The San Bernardino Daily Sun / ۱۹۳۵ ژوئن ۹]

چاپ تپه‌های سبز آفریقا^۱ اثر ارنست همینگوی در مجله اسکرینرز شروع شده است. همینگوی به ما اطمینان داده که هیچ‌یک از شخصیت‌ها یا وقایع این رمان خیالی نیستند. او سعی دارد «کتابی کاملاً واقعی» بنویسد. در فصل اول داستان‌ش می‌گوید که هاکلبری فین اثر مارک تواین بهترین کتابی است که در ادبیات آمریکا داشته‌ایم و تمام آثار آمریکایی ریشه در آن کتاب دارد؛ کتابی که تاکنون به خوبی آن وجود نداشته است. او معتقد است نویسندگی ارزش انجام دادنش را دارد و در نفس خود یک هدف است.

[The Key West Citizen / ۱۹۳۶ فوریه ۵]

ماهیگیران و صید چهار بادبان ماهی

دیروز ارنست همینگوی و مهمانش، هری سیلوستر^۲، نویسنده معروف نیویورکی، با صید همزمان سه بادبان ماهی^۳ و چهارمی در بعدازظهر، رکورد به ثبت رساندند.

هنگامی که آقای همینگوی و سیلوستر با قایق پیلار^۴ از ماهیگیری بازمی‌گشتند، افراد حاضر روی موج‌شکن بندرگاه از دیدن چهار پرچم برافراشته از دکل حیرت‌زده شدند؛ هر پرچم نشان‌دهنده یک بادبان ماهی است. وقتی پیلار پهلو گرفت چهار بادبان ماهی در جلو چشم همگان ظاهر

۱. Green Hills of Africa؛ این اثر در ایران با نام تپه‌های سبز آفریقا منتشر شده است.

۲. Harry Sylvester؛ (۱۹۰۸-۱۹۹۳) رمان‌نویس و نویسنده داستان کوتاه

3. Sailfish

۴. همینگوی پس از بازگشت از سفر آفریقا در سال ۱۹۳۴ یک قایق تفریحی ماهیگیری با نیروی موتور ۷۵ اسب بخار به قیمت ۷۴۹۵ دلار از یک شرکت کشتی‌سازی در نیویورک خرید و نام آن را پیلار (Pilar) گذاشت.